

نویسنده ار نسو بیاز یوت

زهرة میکلانو

ترجمه محمد نبی کهزاد

اخیراً از رواق قصر معروف «بیتی»، واقع در شهر فلو را نس مجسمه سنگی از زهره، بدست آمده که مردم آنرا اثر استاد بزرگ میکلانو می خوانند. مجسمه مذکور را ناموقع بررسی علمی و اظهار نظر قطعی دانشمندان تاریخ و آرت در یکی از اتاق های زیبای قصر «بیتی» دور از نظر مردم محفوظ نگه داشته اند. این مجسمه را چندروز قبل به همراهی مهندس «موروتسی» (مشاراً الیه) می توان کاشف اولی آن خواند از نزدیک بررسی نمود که اینک در فصل شرح و چگونگی اکتشاف و نظریات خود را درباره آن بغرض استفاده قارئین گرامی بعرض میرسانم.

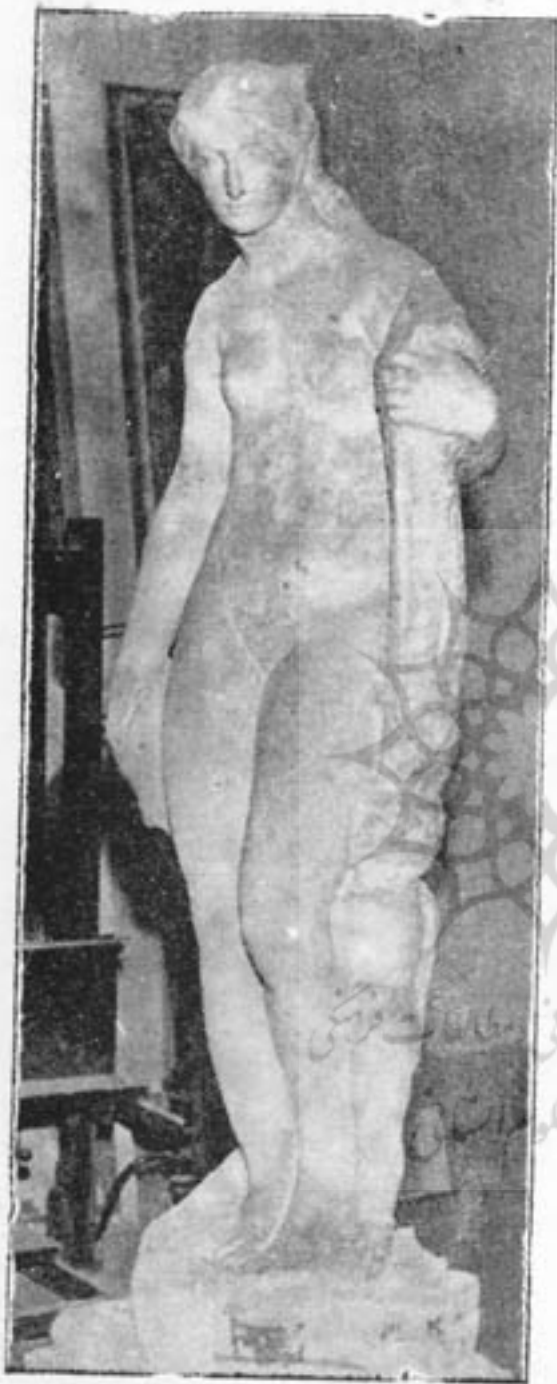
تقریباً بیستروز قبل بود که یکی از روز نامه های شهر فلورانس نامه از «بیزا» دریافت نمود که طی آن نویسنده نامه «جولیلو جانوتسی» از «مذاکره» محرمانه خود با پروفیسر «ماتئو مرانگونی» یعنی دانشمند و کورتیک آرت معروفی که چندروز قبل از مرگش مذاکره ایشان صورت گرفته بود شرح میدهد در باره این مذاکره خود مرانگونی اطلاعیه جهت نشر به بولتن وزارت معارف نیز ارسال داشته بود که هنوز بچاپ نرسیده. مذاکره مذکور در باره کشف مجسمه بود که آنرا به میکلانو جوان نسبت میدادند. شرح اکتشاف آن ازین قرار است. که در ماه جنوری گذشته موقعیکه مرانگونی به قصر «بیتی» داخل میگردد بعوض آنکه از دروازه اصلی داخل گردد از دروازه فرعی که از سالیان مدیدی باینطرف شکل تحویلیخانه رداشت داخل شد که دروازه مذکور که معمولاً همه روز مسدود می بود بعلت انداختن زغال باز بود. موقع عبور ازین دهلیز با وصف عدم روشنائی کافی در گوشه از رواق چشم دانشمند به مجسمه خورد که از نقطه نظر آرت بسیار قابل ملاحظه بود و چون توجه بیشتری به آن مبذول گردید چنین استنباط شد که مجسمه

مذکور از نقطه نظر آرت و هیکل تراشی در قطار آثار قرن شانزده حایز اهمیت فراوان می باشد و متعاقباً راجع به آن بادو کتور پرو کاجی، یکی از کار شناسان آن گالری مذاکره بعمل آورد. سپس هر دو نفر چنان رواقی که مجسمه در آنجا قرار داشت روان شدند چون بانجا رسیدند دو کتور پرو کاجی تذکر داده گفت خوب بخاطر دارم که در سال ۱۹۴۵ مجسمه مذکور را در رواق باغ مریدیان، که جزئی از منزل (کنت تورین) را تشکیل میداد بانجا آوردند و مهندس موروتسی پس از آنکه مجسمه مذکور را از بسا نقاط نظر عکاسی نمود بنام مجسمه میکل آنژ، قلمداد کرد.

حالا برگردیم باینکه چطور یک اثر میکل آنژ در چنین یک گوشه انزوا، و فراموشی باقی ماند؟ این هم علتی دارد که مهندس موروتسی آنرا چنین شرح میدهد: طبق نقشه که بغرض اصلاح و تنظیم گالیری طرح گردیده بود در نظر بود دروازه در آمد اصلی و عمومی همین دروازه قرار داده شود که در رواق مجاور آن مجسمه قرار داشت و دروازه دیگر یعنی دروازه امروزی تنها بغرض رفت و آمد تماشاچیان گالیری باز مانده شود. اما بنابر پاره مشکلاتی که عموماً موزه ها و گالیری ها بان مواجه میگردند این نقشه ویلان به همان ترتیب روی کاغذ باقی ماند و میسر نگردید. پروژه مذکور جامه عمل پیوشد و لهذا این مجسمه سالیان درازی در آنجا باقی ماند. سپس چون راجع به صنعتکار آن بادو کتور پرو کاجی صحبت نمودیم نامبرده فرضیات ذیل را درباره میکل تراشی آن پیشنهاد نمود:

این هیکل شاید سرایا بدست میکل آنژ جوان ساخته شده باشد، هر چند تمام قسمت های آن موفق نیست اما زیبایی های زیادی دارد و باینکه هیکل مذکور را جزاً میکل آنژ کار نموده و بعد بکدام شاگرد تفویض نموده که او کار مذکور را کاتمه داده است. فرضیه سوم این است که شاید اثر مزبور کار کدام یک از شاگردان میکل آنژ باشد.

پروفیسر میدلدورف مدیر موسسه آرت آلمانی فلورانس را که یکی از دانشمندان معروف در رشته هیکل تراشی رینسانس است عقیده بر این است که مجسمه مذکور اثر پیر بنو داونچی، برادرزاده لئوناردو وینچی آرتیست معروفی است که کار او شباهت زیادی به روش میکل آنژ می رساند و یا شاید عمل «تربیولو» باشد.



تصویر ایستاده و نیم تنه جسمه سنگی
 که اخیراً در شهر فلورانس کشف
 شد و منسوب به هنرمند شهیر
 میکلانژ است .

زهره ۵ :



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تخنیکی که در تراش این هیگل بکار رفته است تخنیکی است بنام (واساری) که میکلائز اکثر آنرا بکار برده است. به هر صورت خواه تخنیکی که در تراش آن بکار رفته و یا بعض شباهانی که در سبک تراش آن و مخصوصاً در قسمت های نامم آن بنظر میرسد کافی نخواهد بود مجسمه مذکور را بکدام صنعت کاری مشخصی نسبت داد. این را نیز باید تذکر داد که از جمله مورخین معاصر میکلائز، نه واساری و نه کوندینی که با او در تماس نزدیک بودند هیچکدام از این اثر نامی نبرده اند. بفرض اثبات این مدعا می بایست کدام اسم و سند دیگری بدست آورد. در حال حاضر فرضیات متعددی ارائه گردیده و درین شکی نیست که در آینده گفتگو بر له و یا علیه این مطلب گرم تر خواهد گردید.

مرانگونی بر علاوه آنکه مورخ برجسته محسوب میگردد مرد صاحب فوق سلیم وقضاوت دقیقی نیز بود. دو کتور پرو کسچی چنین اظهار میدارد که مرانگونی فرضیه پیش نموده بلکه نظریات دقیق خود را عرضه میدارد. این مجسمه که به بهترین وجه محافظه گردیده کافی است به یاد نمودن دستکاری مختصری در خشندهگی خاصی به آن بخشید. بعضی از قسمت های آن که بنظر مر بوط به میکلائز میرسد خواه کار آن استاد بزرگ باشد و یا خبر زیبایی مخصوصی دارد. تنه مجسمه از حصه سرین تا شانه ها ظرافت بی نظیری داشته و افتادگی شانه ها باشیوه مخصوصی هیگل تراشی گردیده. مقبولی دهان مجسمه نیز قابل تذکار است و گویا چنین بنظر میرسد که دهان زنده دارد و تکام مینماید. دست ها، تخته پشت و دو طفلی که درد و پهلوی زهره قرار دارند از هر نقطه نظر روش میکلائز را بخاطر میدهند، اما ساق های پا و مخصوصاً ساق پای راست کمی بر حجم و میان تهی معلوم میگردد و چنین بنظر می رسد که گویا قادر به تحمل جسم سنگینی نباشد. بصورت عمومی مجسمه مذکور شکل و قیافه بسیار مدرن و عصری دارد، طوری که بعضی حصص آن شخص را بفکر صنعت کاران امروزی می اندازد مجسمه مذکور به استثنای پایه آن تقریباً یک متر و هشتاد سانتی ارتفاع دارد. ناگفته نماند که بعضی های دیگر این مجسمه را به یک تن دیگر از هل فلورانس موسوم به امانانی نسبت میدهند. به هر صورت اثر مذکور خالی از زیبایی و دلچسپی نبوده شاید اثر میکلائز جوان و یا کار کدام یک از شاگردان دیگر مدرسه او باشد.

(۸)

(۷)